

نظام آبیاری ایران در روزگار ساسانیان

پوریا اسمعیلی

کارشناس ارشد تاریخ
عضو باشگاه پژوهشگران جوان
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

دکتر باقر علی عادل فر

عضو هیئت علمی گروه تاریخ
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

ساسانیان به روش‌های نوین آبیاری توجه بسیار مبذول داشتند زیرا کشاورزی عمده درآمد آنان را تشکیل می‌داد. سرمایه‌گذاری عظیم دولت ساسانی در احداث شبکه‌های آبیاری در اقصای نقاط کشور سبب شد تا اراضی رونق یابد و از خشکسالی تا حدود بسیاری در امان باشند، همچنین به افزایش عایدات حکومت نیز انجامید. شاهان ساسانی با ساختن بندها و حفر قنوات بویژه در خوزستان و شوشتر مزارع را سیراب نمودند. از سویی دیگر در آن روزگار جهت نظارت بر ساخت هر گونه بند، حفر قنات‌ها و نگهداری و ثبت دستگاه‌های آبیاری و حقایق دیوان کستیزود (کاست افزود) به معنای کاهش و افزایش به وجود آمد تا از این طریق نظام آبیاری ایرانشهر قانونمند شود. بدین ترتیب از کشمکش‌ها جلوگیری شد و حقوق هر شخص معلوم گردید. بنابراین شیوه آبیاری این سرزمین به نظام زمین‌داری یاری رساند و در دوران اسلامی سرلوحه مسلمین واقع گشت.

واژگان کلیدی: ساسانیان، شادروان، قنات، کستیزود، شوشتر.

مقدمه

در این مقاله وضعیت نظام آبیاری ایران در روزگار ساسانیان مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. علت این امر چنین است که موضوع نامبرده از عوامل مهم مدنی و از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در جهت امرار معاش مردمان در ایرانشهر به شمار می‌رود. به طوری که در عقاید مذهبی زردشتیان به امر زراعت و آبیاری و آباد نمودن اراضی تاکید شده است. همین مساله سبب گردید تا شاهان این سلسله به آبادانی زمین‌های کشاورزی توجه نمایند و با توجه به شرایط جوی هر منطقه به احداث سدها و حفر قنوات پردازند و به آبیاری اراضی یاری رسانند تا بدین طریق بر عایدات حکومت خویش بیفزایند، که این قبیل اقدامات در دوران زمامداران قدرتمند ساسانیان همچون اردشیر بابکان، شاپور اول، قباد اول و خسرو انوشیروان مشهود است. از سوی دیگر نظام آبیاری ایران در این دوران سلسله مراتب حقوقی معینی را نیز دارا بود که نظم خاصی را بدان می‌بخشید، در این راستا دیوان ویژه‌ای به نام کستبزود یا کاست‌افزود به معنای کاهش و افزایش پدید آمد که بر ساختن بندها، تشخیص و ثبت خراج نظارت داشت تا از این طریق حقوق مالکان آب و کشاورزان مشخص‌تر گردد.

بدین ترتیب با توجه به مسائل نامبرده، روستاییان تلاش نمودند تا از اشکال گوناگون آبیاری یعنی با بهره‌گیری از سدها، قنات‌ها و چاه‌ها اراضی را بارور سازند تا خواسته‌های مالکان بزرگ را اجابت کنند و هم معیشت خویش را تامین نمایند. در این راه با سختی‌های زیادی از جمله شرایط نامناسب جوی و ویرانی وسایل آبیاری و جنگ‌های اجتناب‌ناپذیر با رومیان و مسلمانان به مناطق مرزی مواجه گشتند. در عین حال که آن جنگ‌ها نیروی تولیدی کشور را نابود می‌ساخت با این حال به کار خود ادامه دادند.

در این مقاله سعی می‌شود تحقیقاتی پیرامون مسائل یاد شده با استناد به منابع ارائه گردد و بدین طریق گوشه‌ای از تاریخ و تمدن ایران مورد تفحص قرار گیرد.

اهمیت نظام آبیاری ایران در دوران ساسانیان

وضع اقلیمی ایران، کمبود آب، مشکلات آبیاری در زراعت از روزگاران کهن برای ایرانیان اهمیت اساسی داشته و در روزگار ساسانیان نیز این وضعیت سبب گردید تا شاهان این سلسله

خود بر مسائل مربوط به کشاورزی نظارت نمایند بنابراین شخصی را با نام واستریوشان سالار^۱ مسئول این امر قرار دادند که علاوه بر رسیدگی به امور مختلف نظام ارضی همچون تعیین میزان مالیات کشاورزان در امر آبیاری نیز دخالت می نمود.^۲

بدین ترتیب در این دوره همانند دوران اسلامی تهیه آب و آبیاری مزارع از اهم کارهای زراعی محسوب می شد. در زمان ساسانیان دبیران نقش مهمی را در نظام آبیاری کشور ایفا می کردند.

ابن قتیبه دینوری اعتقاد دارد:

در عصر ساسانی از خصوصیات یک دبیر خوب نگه داشتن حساب مربوط به آبیاری بوده است.^۳ بنابراین دبیران موظف بودند در راستای قانونمند شدن نظام آبیاری ایران شهر به حسابهای آن رسیدگی نمایند تا از این طریق حقوق زارعین و ملاکین را معلوم گردانند.

در واقع یکی از صفاتی که از دیرباز برای اقوام ایرانی بکار بردند و آن را از ویژگی های تمدن و فرهنگ این سرزمین کهن برشمردند نظام آبیاری ایران زمین می باشد که همه شیوه های گوناگون آبیاری در نقاط مختلف جغرافیایی از دشت های پست و هموار و رودهای سرکش گرفته تا دشت های کویری خشک و ریگزار یا دره های کوهستانی و سایر مناطق دیگر را دربر می گیرد این مسائل پیشرفت نظام آبیاری را در فلات ایران می رساند. از سویی دیگر در عقاید مذهبی زردشتیان بدین امر پرداخته شده است، به همین جهت زردشت به پیروان خویش توصیه نمود تا با آبیاری منظم اراضی، محصولات را افزایش دهند و از آلوده کردن آب پرهیز نمایند.^۴ در اوستا نیز به اهمیت آبیاری اشاره شده بطوری که از مظاهر باران همچون ایزد تیر و الهه آناهیتا (ایزد بانوی نگهبان آبها، میوه ها و رستنی ها) به نیکی یاد نموده است. بدین ترتیب اهورامزدا در وصف تیر می گوید:

تشر ستاره شکوهمند را می ستاید که آب های ایستاده و روان چشمه ها و جویبار برف و باران همه شیفته اویند.^۵

در دین زردشت ایزدان نیکی و پلیدی در جریان مخالف یکدیگر قرار دارند بطوری که اپوش و اسپنجروش دیوهای خشکسالی با ایزد تیر الهه باران نزاع می کنند و سرانجام این نبرد به سود تیشتر (تیر) خاتمه می یابد و کشتزارها از برکت وی سیراب می گردند.^۶ ایزد آناهیتا نیز سهم بسزایی در دیانت زردشت داشت، در اوستا آمده است:

من اهورامزدا به نیروی خویش آناهیتا را پدید آوردم تا خانه، مزارع و کشور را بپرورانم و نگهبانی نمایم ...^۷

بنابراین در روزگار ساسانیان معابدی را برای آناهیتا برپا ساختند که از آن جمله می‌توان به معبد آناهیتا در استخر فارس و معبد آناهیتا در کنگاور اشاره نمود که مکانی مقدس برای زردشتیان به شمار می‌رفت، به طوریکه این معابد در کنار رودهای خروشان بنا شده بودند، و نماد ایزد آب‌های روان محسوب می‌شدند.^۸

با ذکر این مطالب به انواع شیوه‌های آبیاری در ایرانشهر می‌پردازیم.

قنات‌ها

قنات‌ها با شبکه‌های آبراهه خویش از ویژگی‌های آبیاری نجد ایران به شمار می‌رود و از زمان‌های کهن سبب تقویت رفاه و بهروزی ساکنان این فلات شده است. با این وجود روش‌های گوناگون آبیاری متقابلاً معمول می‌باشد و در بسیاری از نقاط بیش از یک روش به کار می‌رود. مهار نمودن آب برای آبیاری همواره دشوار بوده بطوری که طغیان نهرها و سنگینی اجسام درون آنها امر ذخیره‌سازی و مهار آب را دشوار ساخته و سیلاب‌های ناگهانی غالباً کار آبیاری با قنات‌ها را بر هم زده و سیلاب‌های بهاری نیز ممکن است خسارات زیادی را به بار آورد.^۹

شاهان ساسانی این مسئله را در نظر داشتند و تلاش می‌کردند با بکارگیری روش‌های مناسب از زیان سیلاب‌ها جلوگیری نمایند و قنات‌ها را سامان دهند، بطوری که اردشیر بابکان پس از غلبه بر اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی (۲۲۴م.) گامی رفیع در جهت بهبود نظام اقتصادی و اجتماعی کشور برداشت و بنابر سنت زردشتیان به امر آبادانی پرداخت.

نخستین اقدام وی پس از احداث شهر اردشیرخوره در ایالت پارس، ایجاد قنات‌هایی در جهت آبیاری اراضی آن دیار بود تا بدین طریق به اقتصاد کشاورزی آن منطقه یاری رساند.^{۱۰}

از سوی دیگر اردشیر برای رونق بخشیدن به زراعت به کارگزاران خویش فرمان داد تا آبی را از کوی بزرگی که در شهر گور جریان داشت تدبیر نمایند، بدین ترتیب آنان برای رفع مشکل با کندن یک طرف کوه مسیر آب را تغییر دادند و باعث گسترش اراضی حاصل‌خیز آن خطه شدند.^{۱۱}

از طرف دیگر از مطالعه‌ی بندهای مربوط به آبیاری در ماتیکان^{۱۲} چنین استنباط می‌شود که امر آبیاری در کشاورزی ایران تا چه پایه از اهمیت برخوردار بوده است و از مطالعه بندهای نامبرده می‌توان به گسترش مالکیت خصوصی بر زمین پی می‌برد. اخبار مندرج در ماتیکان به سده‌های پنجم و ششم میلادی تعلق دارد اما قوانین ذکر شده در این بندها به ادوار پیشین می‌رسد.^{۱۳}

در بند بیست و دوم ماتیکان به قنات‌ها و نحوه مالکیت آنها پرداخته شده است. قنات در بند یاد شده به صورت katas آمده و این واژه در متون متأخر به صورت «کت» ارائه گردیده که از مصدر «کندن» می‌باشد و بنابر معمول چند نفر در حفر آن شرکت داشتند در این بندها تعهدات مورد بحث قرار گرفته است به طوری که استفاده از آبراهه‌ها محدود به شرایط معینی بوده و طول قنات‌ها و وجود یا عدم دخالت در احداث آنان معلوم و مشخص شدند در این زمینه به مواردی از جمله آسیب دیدن خانه‌های اشخاص به هنگام حفر قنات اشاره شده است و صاحبان قنات موظف به پرداخت کامل غرامت و خسارات پدید آمده از حفاری انجام شده بودند.^{۱۴}

قنات‌ها مشترکاً از سوی چند تن احداث می‌شد طبق نوشته ماتیکان جماعت روستایی و مالکان در این امر دخالت نداشتند.^{۱۵} در بعضی از موارد نیز آب همراه زمینی که احداث قنات در آن صورت گرفته بود، در تملک شخصی قرار می‌گرفت از این رو برخی از بندهای ماتیکان مویذ آن بوده که به همراه واگذاری قطعه زمین همه منضمات از جمله چاه و قنات درون آن نیز واگذار می‌گردید.^{۱۶}

از مناطق مهمی که ساسانیان در آن سدسازی کردند می‌توان به دو منطقه بین‌النهرین و خوزستان اشاره نمود در واقع سرزمین ما بین دجله و فرات مرتباً توسط نهرها و ترعه‌ها آبیاری می‌شده است.

سرزمین بابل که مجاور بین‌النهرین کنار دجله تا دریای پارس قرار دارد از سمت شرق به خوزستان و از شمال و مغرب توسط فرات و بخشی از صحرای عربستان محدود گشته و دارای استان‌های کوچکی از جمله کوات و کشکر می‌باشد که از طریق ده کانال آب که از فرات منشعب می‌شود آبیاری گردیده است و اراضی اطراف آن را مشروب ساخته و از چهار آبراه مورد بهره‌برداری سه مورد آن به خلیج‌های اکناف و یکی به دجله سرازیر شده که این نهرها سوره، سوریت، عقبه و کوتایش نام داشت.^{۱۷}

از سوی دیگر شبکه‌های گسترده موجود در خوزستان که در آن رودهای کرخه، دز و کارون روان است، قنات‌هایی از آنان انشعاب می‌یابند که به نهر شیران و شاور شهرت دارند و زمین‌های کشاورزی اطراف این رودها را سیراب می‌کردند.

در تقسیم آب رودخانه‌ها شاهان ساسانی اقدامات گسترده‌ای را انجام دادند به طوریکه فرمانداران و حکام ایالات را موظف بدین کار جهت آبیاری بهینه مزارع نمودند.^{۱۸}

با این وجود در روزگار جانشینان خسرو اول به ویژه در دوران زمامداری هرمز چهارم به سبب اختلافات داخلی دربار و عدم ثبات مرزها، نظام ارضی کشور دگرگون گشت. نبرد با رومیان از یک طرف و هجوم ترکان زردپوست از سویی دیگر دستگاه‌های آب‌رسانی به ویژه قنات‌ها را ویران ساخت، بدین جهت فشارهای سختی بر ساکنان ایران زمین وارد شد و معیشت آنان را در تنگنا قرار داد و این وضعیت تا فتح سراسر ایران توسط مسلمانان همچنان ادامه داشت.^{۱۹}

سدها

از دیگر عواملی که سبب گردید تا نظام آبیاری زمین در عصر ساسانی بهبود یابد، ساختن سدهای گوناگون در نقاطی از کشور توسط شاهان ساسانی بود.

مهمترین این سدها شادروان یا بند قیصر نام داشت (ر.ک به تصاویر ۱، ۲، ۳) بنابر شواهد تاریخی شاپور اول ساسانی بعد از غلبه بر والرین قیصر روم در سال ۲۶۰م. وی را در اسارت وادار نمود تا در شوشتر بندی را احداث نماید.

شادروان نخست به قطعه سنگ‌های بزرگ (تقریباً ۱×۲ متر) توسط میله‌های آهنی به یکدیگر متصل و در کف رودها فرش می‌شد تا سطح آب بالا رود و زمین‌های اطراف را مشروب سازد اما به تدریج این نام به بندها اطلاق گردید و از آن پس شادروان را بند نامیدند.

در برخی از منابع طول شادروان شوشتر یک فرسنگ بیان شده است. مقدسی معتقد است:

اگر سد شادروان نبود اهواز هم وجود نداشت، این سد دره‌ایی دارد که هنگام افزایش آب آنها را می‌گشایند، آبش از باران است نه از برف و صدایش آدمی را از خواب باز می‌دارد.^{۲۰}

اردشیر بابکان پس از آنکه بر اریکه‌ی سلطنت نشست، به آبیاری اراضی یاری رسانید. طبق گزارش حمزه اصفهانی:

اردشیر آبهای اصفهان را به دست مهرین‌وردان قسمت کرد و همچنین وادی خوزستان را نیز تقسیم فرمود و از آب آن نهرها جدا ساخت، از جمله نهر مشرقان (مشرقان) که به فارسی اردشیرکان خوانند ...^{۲۱}

این اقدام اقتصاد آن خطه را شکوفا ساخت. از سویی دیگر در روزگار فیروز اول (۴۸۳-۴۵۹ م)، کشور با قحطی شدید مواجه گشت به طوری که به مدت هفت سال باران نبارید، بنابراین وی به مرو عزیمت نمود و رود مرو را تقسیم کرد و در آنجا بندهای زیادی را ساخت و آبادانی را بدان خطه باز گردانید.^{۲۲} در زمان قباد اول (۵۳۱-۵۰۱ م) در سر بند شط دجله اختلال پدید آمد و این وضع چندین سال دوام داشت تا جایی که آب دجله افزایش یافت و از شکاف سدها بیرون ریخت بنابراین اراضی شیب‌بندی و جنوب باختری را فرا گرفت و چون انوشیروان به سلطنت رسید به ترمیم سدها پرداختند بدین ترتیب زمین‌های ویران دوباره معمور گردید و به زیر کشت و کار درآمد.^{۲۳}

در واپسین سالهای سلطنت خسرو پرویز نیز آب دجله و فرات طغیان کرد و بندها را شکست و بین‌النهرین را به باتلاقی مبدل ساخت. بلاذری در فتوح‌البلدان واقعه را چنین بیان می‌کند:

چون سال هفتم یا به قولی ششم هجری شد (و آن سالی است که پیامبر اسلام عبدالله بن خذافه سهمی را نزد خسرو پرویز فرستاد)، آب دجله و فرات زیادتر یافت و سخت عظیم گردید چنانچه پیش از این حادثه و پس از آن کسی چنین حال ندیده بود. پس شکاف‌هایی عظیم در بندها نشست، پرویز خواست آن شکاف‌ها را ببندد لکن آب چیره شد و به سوی مکان بطایح جاری گشت و بر عمارت‌ها و کشتزارها روان شد، بخش‌هایی که در آنجا بود غرق شدند. خسرو خواست شکاف‌ها را ترمیم نماید. پس مال بسیار بر آن خرج کرد و کارگران فراوانی را سیاست فرمود و به قتل رسانید. چنانچه گویند در یک روز چهل کارگر را بر فراز یکی از آن شکاف‌ها بردار کرد اما چاره‌ای نیافت. سپس تازیان به خاک عراق در شدند و پارسیان به جنگ با آنان پرداختند و آن شکاف‌ها گشاده می‌گشت و کسی را بدان‌ها التفات نبود و دهقانان نیز از بستن آن عاجز ماندند، پس مرداب بطیحه به هر سو گسترده شد.^{۲۴}

این وضعیت تا دوران امویان ادامه داشت و تنها در آن زمان بود که اراضی بین‌النهرین تا حد بسیاری آباد گردید.

به هر حال در روزگار ساسانیان بندهای زیادی ساخته شد که به آبادانی اراضی یاری رساند و ایرانشهر را طی سالهای متمادی رونق بخشید و معیشت مردمان را فراهم ساخت این بندها در خوزستان و فارس به سبب شرایط اقلیمی بنا نهاده شده بود.

چاه‌های آبی و انواع وسایل آبیاری

یکی از راه‌های آبیاری زمین‌های زراعتی استفاده از چاه‌های آبی می‌باشد. این چاه‌ها در دوران ساسانیان به طور وسیعی در اقصی نقاط ایران به ویژه در مناطق خشک و کویری حفر می‌شد، بدین طریق کشاورزان برای بهره‌گیری از آب‌های زیرزمینی به چنین اقدامی پرداختند.

شکافتن زمین و خاک‌برداری و آگاهی از محلی که چاه‌ها باید در آنجا احداث گردد تا آب از آن برداشت شود نیاز به بررسی‌های دقیق و منظمی داشت زیرا اکثر فلاحان بدون بررسی چاه‌های زیادی حفر کردند که فاقد آب بود.^{۲۵}

در آن زمان چاه‌کنی با ابزارهای ساده‌ای همانند کلنگ، بیل دستی و سبد انجام پذیرفت، مقنیان با استفاده از چرخ‌های پایی چوبی از ته چاه، خاک، گل و سنگ‌ریزه‌ها را بیرون کشیدند. که کاری توان‌فرسا بوده است.^{۲۶}

کشاورزان با کمک چرخ‌های پایی چوبی و چند مشک پوستی بزرگ به هم دوخته شده، آب‌های زیرزمینی را از چاه‌ها خارج ساختند، بدین شکل اراضی خویش را سیراب گردانیدند که این امر خشک شدن بستر آب‌های زیرزمینی و قنات‌ها را در پی داشت.^{۲۷} آسیاب‌های آبی نیز نقش مهمی را در زندگی مردمان آن روزگار به خوبی ایفا نمودند.

در مجموعه حقوقی پهلوی ماتیکان پیرامون آسیاب‌ها و تدارک آنها بر رودخانه و نهرها و قنات‌ها و به حرکت در آوردن آسیاب‌ها به وسیله آب مطالبی ارائه شده است. این آسیاب‌ها در زمین‌های زراعی به زارعین مدد رساندند و غلات آنان را آسیاب نموده و شدت جریان آب رودها را افزایش می‌دادند تا اراضی به سرعت مشروب گردند.

علاوه بر این در نواحی پر آب، رودها، به شعب زیادی انشعاب یافتند و به مزارع یاری رساندند. گویند در زمان خسرو پرویز، کرمانشاهان اراضی و باغستان‌های بی‌شماری داشت و توسط رودخانه قراسو که هنوز هم آب آن در جریان است آبیاری می‌گردید که این امر سبب رونق اقتصادی در آن دیار شده بود.^{۲۸}

بدین ترتیب رودها تاثیر بسزایی در رشد و شکوفایی نقاط مختلف ایران داشتند و امنیت اقتصادی را تا حد بسیاری برای ساکنان ایرانشهر کهن به ارمغان آورده بودند.

مسائل مالی حقوقی در نظام آبیاری ایران

نظام آبیاری در ایران عصر ساسانی علاوه بر شکوفایی اراضی، سلسله مراتب حقوقی معینی را نیز دارا بود که نظم خاصی را به آبیاری این دوران می‌بخشید.

در زمان ساسانیان از نظر اهمیتی که برای آبادانی ایرانشهر قائل بودند دیوانی خاص را با نام کستیزود^{۲۹} پدید آوردند. این دیوان به کاست‌افزود یعنی کاهش و افزایش شهرت داشت که در آن آب‌های هریک از دارنده‌های حقاچه‌ها و آنچه را که بر آن افزوده و یا کاسته می‌گردید و یا از نامی به نام دیگر برده می‌شد نگهداری می‌نمود و در دفتر آب‌ها که در این دیوان بود نام هر کسی را که مقداری آب داشت و آنچه را که از آن می‌فروخت و یا از کسی می‌خرید نگاشته می‌شده است.^{۳۰}

وظایف این دیوان نگرشی بر ساختن بندها بر روی رودخانه‌ها، تشخیص و ثبت خراج هر یک از مالکان آب و حساب کاست و فزود آن خراج به نسبت کاست و فزودنی بوده که در مقدار آب آنها حاصل شده و این امر مهمترین وظیفه‌ای می‌باشد که از آن دیوان انتظار می‌رفت و بدین سبب نام کاست‌افزود را بر آن نهادند.^{۳۱}

خوارزمی در مفاتیح‌العلوم به اختصار در تعریف دیوان آب مطالب در خور توجهی را بیان نموده وظایف آن را به خوبی شرح می‌دهد و حقوق مالکان آب را مشخص می‌سازد و چنین می‌نگارد:

و آن دیوانی است که در آن مبلغ خراج هر یک از صاحبان آب و کاست و فزود آن و همچنین تغییر اسامی مالکان و از اسمی به اسم دیگر ستون در آن ثبت می‌شود.^{۳۲}

از سوی دیگر دیوان کاست‌افزود وظیفه داشت تا آب‌های سرکش و ویرانگر را از طریق بستن سد بر روی رودها مهار کند و جریان آرام آن را در اختیار زارعین قرار دهد تا خراج آب‌ها را به طور منظم از آنان وصول نمایند.

از طرفی در دوران ساسانیان حقوق کشاورزان مشخص شده بود و فرمانروایان ایالات بر حسن اجرای تقسیم آب بین صاحبان حق نظارت مستقیم داشتند و حقوق هر شخص را معلوم گردانیده بودند و نیز قوانین ساسانی حقوق افرادی را که قنات از اراضی آنان می‌گذشت و یا افرادی که در حفر قنات با هم مشارکت می‌نمودند تعیین و حقوق کسانی را که به احداث قنات پرداختند و یا آن را توسعه می‌دادند معلوم نموده و حق کسی را پایمال نمی‌کردند.

در مورد آسیاب‌های آبی نیز قوانینی توسط شاهان ساسانی وضع گردید، بدین صورت که هرگاه آسیاب بر فراز قنات زیرزمینی ساخته شود که به شخص دیگری تعلق داشته باشد شخص مذکور حق متوقف کردن آبی را که عامل حرکت آسیاب بوده نخواهد داشت و آسیاب با اجازه صاحب ملک در زمین او بنا شده است.

از این رو نمی‌تواند در حرکت آسیاب خللی وارد نماید ولی حق دارد از آب قنات برای آبیاری مزارع خویش بهره جوید.^{۳۳}

بدین ترتیب مآخذ حقوقی، وجود آسیاب آبی را در ایران پیش از اسلام مورد تایید قرار دادند.

در نهایت مسائل حقوقی در نظام آبیاری ایران عصر ساسانی در رونق بخشیدن به نظام زمین‌داری در این خطه پهناور موثر واقع گشت، بطوری که هر شخص از حق ویژه خویش جهت بهره‌گیری از آب قنات‌ها و چشمه‌ها آگاه شد. با این وجود با تسلط مسلمین بر ایران و سقوط ساسانیان این مسائل مورد توجه خلفای اسلامی قرار گرفت و آنان هم به تقلید از ایرانیان دیوان کستیزود و سایر شیوه‌های آبیاری ایران‌شهر را اخذ نمودند و اراضی مفتوحه را سیراب کردند.^{۳۴} این امر نیز تأثیرات تمدنی ساسانیان را بر مسلمین نشان می‌دهد.

نتیجه

از مطالعه قسمت‌های مختلف این پژوهش چنین استنباط می‌شود که نظام آبیاری ایران در روزگار ساسانیان سهم عمده‌ای در شکوفایی اقتصاد ایران‌شهر ایفا نمود، تنوع اقلیمی در اقصی نقاط کشور و مشکلات آبیاری در زراعت سبب گردید تا شاهان ساسانی با حفر قنات، احداث سدها و تقسیم آب به آبیاری مزارع مدد رسانند و با وضع قوانینی چند و تأسیس دیوان کاست-افزود به رونق اراضی بیافزایند و درآمدهای حکومت را افزایش دهند و بدین طریق نظام آبیاری را قانونمند نمایند، که این امر در دوران زمامداران قدرتمند این سلسله کاملاً مشهود است. از سویی دیگر آنان با بهره‌گیری از روشهای گوناگون از قبیل به کارگیری اسرا در امر احداث سد همچون بنای بند قیصر توسط رومیان در زمان شاپور اول (۲۷۲-۲۴۲ م.) و یا انشعاب رودها و هدایت آن به سمت مزارع به ویژه در نقاط خشک و کم باران اراضی را مشروب ساختند، با این

وجود در زمان جانشینان خسرو اول به سبب نبردهای طولانی با امپراتوری روم از یک سو و فتوحات چشمگیر مسلمین از سوی دیگر و اختلافات داخلی و بی‌کفایتی نظام مالکیت ارضی رو به افول نهاد و شبکه‌های مهم آبیاری ویران گشت و اقتصاد ایران را تحت شعاع قرار داد. با این حال نظام آبیاری ایران که از مهمترین دستاوردهای تمدنی ایرانیان به شمار می‌رود سرلوحه مسلمین واقع گشت به طوری که در دوران اسلامی مورد توجه خلفا و زمامداران مسلمانان قرار گرفت و در تمدن اسلامی رسوخ نموده. وجود سدها، آسیاب‌ها، چاه‌ها و قنات‌ها در نقاط مختلف این خطه کهن به ویژه در خوزستان مدنیت مملکت ایران‌شهر را به ثبوت می‌رساند، که این امر نشان دهنده‌ی گسترش فرهنگ زراعت جهت تامین معاش مردمان آن روزگاران بوده است.



تصویر شماره ۱
آبشارهای تاریخی شوشتر



تصویر شماره ۲
آبشارهای تاریخی شوشتر



تصویر شماره ۳
شوشتر - بند قیصر



پی‌نوشت

- ۱- رئیس مالیات ارضی در زمان ساسانیان.
- ۲- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۸۷.
- ۳- دینوری، ابن قتیبه، عیون‌الخبار، ج ۱، قاهره: ۱۹۲۵، ص ۴۳.
- ۴- کتاب پنجم دینکرد، ترجمه و تعلیقات ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۶، ص ۷۰.
- ۵- اوستا، به تصحیح جلیل درستخواه از گزارش ابراهیم پورداوود، ج ۱، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۴۳، ص ۱۸۵.
- ۶- گویری، سوزان، آن‌ها تا در اسطوره‌های ایرانی، تهران، ققنوس، چ ۲، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸.
- ۷- اوستا، پیشین، ص ۱۸۵.
- ۸- لوکونین، و. ک. تمدن ایران ساسانی (ایران در سده‌های چهارم تا پنجم میلادی)، ترجمه عنایت‌اله رضا، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۱۵۷.
- ۹- لمبتون، ان، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۴، ۱۳۷۷، ص ۳۵.
- ۱۰- کارنامه اردشیر بابکان، تصحیح بهرام فره‌وشی، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۸۲، ص ۴۲.
- ۱۱- حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، مقدمه، تصحیح و تحقیق از صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲.
- ۱۲- ماتیکان هزارستان (قانون مدنی پارسیان در عهد ساسانی): مجموعه‌ای است حقوقی حاوی مواد مربوط به حقوق مالی و خانوادگی، تاریخ تحریر آن را بایستی سده‌های پنجم و ششم دانست که توسط فرخ مرد نامی نگاشته شده است و اطلاعات ارزنده‌ای پیرامون مسائل اقتصادی از جمله نظام زمین‌داری در دوره ساسانی را ارائه می‌دهد (ر. ک. به شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا صفویه تالیف عزیزالله بیات، ج ۱، ص ۵۹).
- ۱۳- پیگولوسکایا، ن. و دیگران، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت ا... رضا. تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۲۹۱.
- ۱۴- همان، ص ۲۹۲.
- ۱۵- همان، ص ۲۹۲.
- ۱۶- همان، ص ۲۹۴.

- ۱۷- مارکوارت، یوزف، ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، طهوری، ۱۳۸۳، ص ۳۹.
- ۱۸- نیرنوری، عبدالحمید، سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهانی، ج ۱، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۸۵.
- ۱۹- آلتهایم، فرانتس و روت استیل، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰.
- ۲۰- مقدسی، ابوعلدا... محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفت الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، بخش دوم، تهران، چاپ کاویان، ۱۳۶۱، ص ۵۱۴.
- ۲۱- اصفهانی، حمزه، سنی الملوک الارض و الانبیاء، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۶۷، ص ۲۹.
- ۲۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (الرسال و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۵، ۱۳۷۵، ص ۶۳۵.
- ۲۳- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۳، ۱۳۶۷، ص ۲۹.
- ۲۴- بلاذری، احمدبن یحیی، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص ۵۳.
- ۲۵- مجیدی کزایی، نور محمد، شاپور خوره (سرزمین شاپور)، تهران، انتشارات آرون، ۱۳۸۲، ص ۶۳.
- ۲۶- همان، ص ۱۶۳.
- ۲۷- همان، ص ۱۶۴.
- ۲۸- فرصت شیرازی، محمد نصیر، آثار عجم، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۶۲۷.
- 29- Costebzoud.**
- ۳۰- نیرنوری، پیشین، ص ۸۵.
- ۳۱- محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۲، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰.
- ۳۲- خوارزمی، ابوعلدا... محمدبن احمد یوسف، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیوجم، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۲، ۱۳۶۲، ص ۶۸.
- ۳۳- پیگولوسکایا و دیگران، پیشین، ص ۲۹۷.
- ۳۴- خوارزمی، پیشین، ص ۶۹.